

# نیت و اخلاص

تألیف:

دکتر یوسف قرضاوی

ترجمه و اختصار:

عمر قادری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

آدرس ایمیل:

این کتاب ترجمه‌ی مختصر کتاب النية والإخلاص است.

سایت‌های مفید

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.ahlesonnat.com](http://www.ahlesonnat.com)

[www.isl.org.uk](http://www.isl.org.uk)

[www.islamtape.com](http://www.islamtape.com)

[www.blestfamily.com](http://www.blestfamily.com)

[www.islamworldnews.com](http://www.islamworldnews.com)

[www.islamage.com](http://www.islamage.com)

[www.islamwebpedia.com](http://www.islamwebpedia.com)

[www.islampp.com](http://www.islampp.com)

[www.nourtv.net](http://www.nourtv.net)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.islamhouse.com](http://www.islamhouse.com)

[www.bidary.net](http://www.bidary.net)

[www.tabesh.net](http://www.tabesh.net)

[www.farsi.sunnionline.us](http://www.farsi.sunnionline.us)

[www.sunni-news.net](http://www.sunni-news.net)

[www.mohtadeen.com](http://www.mohtadeen.com)

[www.ijtehadat.com](http://www.ijtehadat.com)

[www.islam411.com](http://www.islam411.com)

بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

تعریف اخلاص.....	۲
اهمیت نیت در تحقق اخلاص.....	۲
فضل اخلاص و خطر ریا.....	۶
حقیقت اخلاص.....	۸
دلایل اخلاص.....	۹
طاعت و معصیت در نهان و آشکار.....	۱۲
ضرورت اخلاص برای دعوتگران.....	۱۵
ثمرات اخلاص.....	۱۶
انگیزه‌های اخلاص.....	۱۹

## تعریف اخلاص

- منظور از اخلاص، جویا شدن رضایت خدا در عمل و تصفیۀ آن از شائبه‌های شخصی یا دنیوی است، یعنی انسان جز به خاطر جلب رضای خدا و منزلت اخروی کاری را انجام ندهد.

- اخلاص یکی از ثمره‌های توحید کامل، و به معنای منحصر کردن عبادت و استعانت از پروردگار عز و جل است: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحه: ۵]. «تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم».

- علمای دین و مربیان مسلمان و سالکان راه در پیمودن مسیر آخرت بر اهمیت اخلاص اتفاق نظر دارند.

- تأکید اسلام بر کسب اخلاص و پاکیزه کردن نیت و تصحیح موضع نسبت به خدای خویش نوعی بیهوده کاری و محدودیت قائل شدن نیست، بلکه زندگی بدون اخلاص، استقامت و ترقی را به دست نمی‌آورد و اکثر مصیبت‌ها و بحران‌های کمرشکن که امت‌ها و گروه‌ها را در تنگنا قرار داده‌است، ناشی از کسانی است که باور و امید به خدا و منزل اخروی ندارند.

## اهمیت نیت در تحقق اخلاص

- اخلاص جز با دو عنصر تحقق نمی‌یابد:

۱- حضور نیت، چرا که پایه و اساس کار نیت است و کار بدون نیت صرفاً نظر از حسن و قبح آن انسان را در زمره مخلصان قرار نمی‌دهد

۲- زدودن شائبه‌های شخصی یا دنیوی و انحصار مخلصانه آن برای خدا.

- خداوند از این نیت مشروط در قرآن با عبارات مختلفی نام می‌برد مانند: «اراده

وجه الله»، «ابتغای وجه الله» یا «ابتغای مرضات الله».

- لازم به تذکر است که بین قصد خدا و قصد آخرت تفاوت و دوگانگی وجود ندارد و کسی که بر آیه: ﴿مِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ﴾ [آل عمران: ۱۵۲]. چنین تحلیلی دارد، با توجه به این، پس چه کسی خدا را می‌خواهد؟ این تحلیل غلط است. زیرا آنانکه آخرت را می‌خواهند، خدا را می‌خواهند و قصد آخرت یعنی قصد رضایت و ثواب و امید به آنچه نزد خداست. و امید به بهشت و ترس از جهنم برای مخلصان عیب نیست چنانکه خداوند پیامبران و نیکوکاران را به علت داشتن بیم و امید و رغبت و رهبت نسبت به بهشت و جهنم ستوده است و سخنی بالاتر از قرآن وجود ندارد. بهشت هم فقط یک منزل مادی مادی محض نیست بلکه منزل رضوان بزرگ و نعمت نگرستن به وجه الله است: ﴿وَجُوهٌ يُّوَمِّدُ نَاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿٢٣﴾﴾ [الغاشية: ۲۲-۲۳]. «در آن روز چهره‌هائی شاداب و شادانند. به پروردگار خود می‌نگرند».

- سنت نبوی مملو از احادیثی است که پیرامون فضل و امتیاز نیت و اخلاص

صحبت می‌کنند:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى...». «همانا پاداش اعمال به نیت فرد بستگی دارد و هر کس نتیجه نیت خود را دریافت می‌کند». [روایت امام بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی و نسائی].

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا لِّوَجْهِهِ وَابْتِغَىٰ بِهِ وَجْهَهُ». «خداوند در میان اعمال جز عمل خالص که به خاطر رضای خدا باشد را قبول نمی‌کند». [منذری/ الترغیب والترهیب].

- «جوهری» در الصحاح می‌گوید: «نیت یعنی تصمیم قطعی» و «زرکشی» در «قواعد» خود گفته است: «حقیقت نیت ربط قصد به یک مقصود معین است» و «ماوردی»

می‌گوید: «نیت یعنی قصد مقرون به اقدام، اگر بین قصد و اقدام فاصله افتد آن عزم است نه تصمیم».

- پس نیت یک خطوره محض نیست که برای لحظه‌ای بر قلب عارض شود و زود از بین برود.

- نیت کار زبان نیست، بلکه یک عمل قلبی محض است. بنابراین از پیامبر و یاران او و تابعین در میان سلف صالح دیده نشده است که در عبادت‌هایی مثل نماز، روزه، غسل و وضو، نیت را تلفظ کنند، و آنچه که می‌بینیم عده‌ای در نیت آوردن و شروع عبادت خود را به تکلف و دشواری می‌اندازند، مانند: نیت رفع حدث الاکبر، یا نیت صلاة الظهر اربع رکعات یا نیت دارم چهار رکعت نماز عصر را برای خدا می‌خوانم و یا نیت دارم فردا روزه ماه رمضان را بگیرم... همه اینها دلیلی از قرآن و سنت ندارند و بی‌مفهوم هستند، چرا که انسان هنگامیکه قصد رفتن به بازار یا سفر دارد، نمی‌گوید: نیت دارم به بازار بروم یا نیت دارم به سفر بروم!

- به خاطر اهمیت نیت در توجیه عمل و کیفیت بخشیدن و تعیین نوع و ارزش آن، دانشمندان یکی از ریشه‌دارترین قاعده‌ها از قواعد فقهی را استنباط کرده‌اند که: «الأمر بمقاصدها» یعنی: «اصل کار، قصد و نیت است».

- به خاطر نیت، یک شیء واحد که دارای صورت واحد است، به پسندیده و ناپسند تقسیم می‌گردد، مانند توکل و عجز، امید و تمنا، حب خدا و حب غیر خدا، نصیحت و سرزنش، هدیه و رشوه، شرح حال و شکوی، در تمام این کلمات اولی پسندیده و قرینه آن ناپسند است در صورتی که شکل یکی است، فقط نیت آن را تغییر می‌دهد.

- اگر کسی عادتاً یا به علت مشغولیت، از خوردن و نوشیدن در روز خودداری کند و قصد قربت و عبادت نداشته باشد، روزه‌دار محسوب نمی‌شود و اگر جهت یافتن گمشده‌ای به دور کعبه بگردد برای او ثواب طواف منظور نمی‌گردد. و اگر به قصد عطا و بخشش (نه به قصد زکات فرض) چیزی به نیازمند بدهد، پرداخت زکات محسوب

نمی‌شود. و اگر فردی در مسجد بنشیند و قصد اعتکاف نکند معتکف محسوب نمی‌گردد.

- تاکنون توضیحاتی را درباره نیت ارائه دادیم اما آنچه که مورد اتفاق همه است این است که نیت در تغییر حرام تأثیری ندارد، یعنی حسن نیت و قصد نیک، حرام را حلال نمی‌کنند و صفت پلیدی که اساس حرام بودن است با حسن نیت زدوده نمی‌شود. مثلاً کسی که به قصد بنای مسجد یا ساختن پناهگاهی برای یتیمان یا تأسیس مدرسه برای حفظ و قرائت قرآن یا صدقه دادن به فقرا و نیازمندان و اهداف خیر دیگر اقدام به رباخواری و غصب اموال دیگران می‌کند کار او حرام است و نیت پاک او در حلال کردن حرام و تخفیف گناه تأثیری ندارد. احادیث صحیح تأکید می‌کنند که: «خداوند پاک است و جز پاک را نمی‌پذیرد». [روایت امام مسلم].

- اسلام قاعده «هدف وسیله را توجیه می‌کند» را انکار می‌کند و جز وسیله پاکیزه برای اهداف شریف چیز دیگر را نمی‌پذیرد و همواره باید هدف شریف و وسیله پاکیزه باشد.

- برادر مسلمانم، گمان نکنید که تحقق اخلاص یک کار آسان است و اخلاص در دسترس هر که بخواهد قرار می‌گیرد، این یک تصور دور از واقعیت است. برخلاف نظر ساده‌اندیشان، تحقق اخلاص کار آسانی نیست و در میان سالکان راه خدا، عارفان حقیقی از دشواری راه اخلاص و مشقت آن بر نفس بندگان جز آن‌انکه خداوند راه اخلاص را بر آنان آسان کرده است حکایت می‌کنند:

سفیان ثوری می‌گوید: تا حالا مشکلی که از تصحیح نیتم دشوارتر باشد حل نکرده‌ام، زیرا همیشه در مقابل فعالیت‌های من ایستادگی می‌کند.

یوسف بن اسباط گفته است: برای کارگزاران اسلام پاک نمودن نیت از فساد، دشوارتر و سخت‌تر از طول دوران جهاد است. باز گفته است: انتخاب کردن خدا در بین خواسته‌ها و امیال و آرزوها از قتال فی سبیل الله دشوارتر است.

به نافع بن جبیر گفتند: در این تشییع جنازه شرکت نمی‌کنی؟ گفت: صبر کنید تا نیت

بیاورم. پس چند لحظه فکر کرد، سپس گفت: حالا برویم! یوسف بن حسین رازی می‌گوید: سخت‌ترین کار در دنیا اخلاص است، و چقدر جهت زدودن ریا از قلبم تلاش می‌کنم اما با رنگ دیگر و از جهت دیگر همچون قارچ از زمین سبز می‌شود!

- در اینجا لازم می‌دانم به تمام دعوت‌گران اسلامی و آنان که برای پیروزی اسلام کار می‌کنند تأکید کنم، انگیزه‌ها و اهداف خود را با صداقت مورد تحلیل و بررسی قرار دهند و به نفس خود و خدا ی خود دروغ نگویند.

- امام غزالی بعد از ذکر فتنه‌های مقام‌پرستی، خودنمایی، شهرت و کسب ستایش مردم، از گفتن حقیقت در این مورد دریغ نکرده است: «هیچ‌کس مانند علما در معرض فتنه نیست، زیرا همراه با محرک و انگیزه نشر علوم، انگیزه‌های بسیاری چون لذت چیره شدن بر مخالفان، شاد شدن بر تعداد پیروان و خوشحال شدن بر تعداد پیروان و خوشحال شدن به مدح و ثنا آمیخته می‌شود...».

- حضرت عمر فاروق رضی الله عنه می‌فرمود: «بار الها! تمام کردارم را صالح، و برای رضای خود خالص گردان و در انگیزه اعمال من سهمی برای دیگران قرار مده».

- بنابراین دانستن حقیقت اخلاص و کار کردن بر اساس آن، دریای عمیقی است که جز عده‌ای کم و بسیار نادر، همگان در آن دچار لغزش می‌شوند. این استثنا در قول حق تعالی آمده است: ﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾ [الحجر: ۴۰، ص: ۸۳].

### فضل اخلاص و خطر ریا

- قرآن از مخلصانی تعریف و تمجید می‌کند که: «در کار خود جز رضایت خدا هدف دیگری ندارند و دنبال رضایت او هستند و به دنبال رضایت و ستایش مردم نیستند».

[سوره انسان].

- از ابن مسعود و ابن عباس و براء و به صورت مرفوع روایت شده است: «أَوْثَقَ



عُرَى الْإِيمَانِ: لُمُؤَالَةُ فِي اللَّهِ، وَالْمُعَادَاةُ فِي اللَّهِ، وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ، وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ». «محکم‌ترین ریسمان ایمان عبارتند از: تعهد نسبت به یکدیگر به خاطر خدا، دوستی برای خدا، و خشم به خاطر خدا».

- در حدیث ثوبان، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «در میان امت من افرادی وجود دارند که اگر نزد یکی از شما بیایند و درخواست یک دینار کنند به آنها نمی‌دهید، اگر یک فلس درخواست کنند به آنها نمی‌دهید، اما اگر از خداوند بهشت را درخواست کنند به آنها می‌دهد!».

- عمر بن خطاب رضی الله عنه در نامه خود به ابوموسی اشعری فرمود: «آنکه نیت خود را برای خدا اصلاح گرداند، خداوند میان او و مردم را اصلاح می‌کند».

- معروف کرخی خود را می‌زد و می‌گفت: «ای نفس! مخلص باش تا خلاصی یابی».

- ابی بن کعب رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت می‌کند: «این امت را به روشنائی و مقام بلند و استقرار در زمین نوید دهید، اما اگر کسی از آنها کار آخرت را برای دنیا انجام دهد در آخرت سهمی از پاداش ندارد».

- معاذ بن جبل رضی الله عنه هم از رسول الله ﷺ روایت کرده است: «هر بنده‌ای که در دنیا بر مقام شهرت و ریا تکیه زند، خداوند در روز قیامت در حضور خلائق او را رسوا می‌کند».

- زید بن اسلم رضی الله عنه از پدر خود نقل کرده است: حضرت عمر رضی الله عنه بسوی مسجد به راه افتاد. معاذ بن جبل را بر مزار پیامبر ﷺ دید که گریه می‌کند. فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ فرمود به خاطر حدیثی که از پیامبر ﷺ شنیدم و آن اینکه:

«اندکی از ریا شرک است و آنانکه بادوستان و اولیای خدا عداوت می‌کنند برآستی که آشکارا با خداوند می‌جنگند، بی‌گمان خداوند پرهیزگاران را که بخاطر پرهیز از تظاهر و ریا خود را نهان می‌دارند، دوست دارد. آنانکه فقط خدا را در نظر می‌گیرند، و چنان بی‌سر و صدا هستند که اگر غایب باشند کسی سراغشان را نمی‌گیرد و از حالشان

نمی‌پرسد و اگر در میان مردم حاضر شوند به علت عدم تظاهر شناخته نمی‌شوند، دل‌هایشان چراغ‌های هدایت است و از هر گرد و غبار تاریکی رهائی می‌یابند».

### حقیقت اخلاص

- استاد ابوالقاسم قشیری در کتاب خویش «الرسالة» می‌فرماید: «اخلاص یعنی: منحصر کردن طاعت و عبادت به وسیله نیت برای خدا، چنانکه هدف بنده خدا از طاعت و عبادت، تقرب محض و خالص باشد، نه تصنع و خودنمایی یا کسب ستایش و تعریف و تمجید مردم، و هر شائبه‌ای غیر از قصد تقرب، مخلّ اخلاص است. به طور خلاصه می‌توان گفت: اخلاص یعنی تصفیه طاعت و عبادت از ملاحظه دیگر و شائبه‌ها. و می‌توان گفت یعنی: «پرهیز از ملاحظه اشخاص».

- «حذیفه مرعشی» گفته است: «اخلاص عبارت است از اینکه افعال بنده خدا در ظاهر و باطن یکی باشد».

- در زیر به عوامل مهمی اشاره می‌کنیم که حقیقت اخلاص از آنها سرچشمه می‌گیرد:

- ۱- مخلص باید به نظر خالق اهمیت بدهد نه به نظر مخلوق.
- ۲- ظاهر و باطن و نهان و آشکار او یکسان باشد.
- ۳- اخلاص خود را ننگرد مبدا به نفس خود مغرور شود. ابویوب سوسی گفته است: «اخلاص، نادیدن اخلاص است و هرکه در اخلاص خود اخلاص را ببیند، اخلاص او نیازمند اخلاص است»!

۴- یکی دیگر از عناصر اخلاص، عدم توقع پاداش آن در آخرت است. رسول الله ﷺ فرموده است: «عمل محض هیچکدام از شما، شما را به بهشت نمی‌برد، یارانش گفتند: حتی شما یا رسول الله؟ پیامبر ﷺ فرمود: حتی من، مگر اینکه خداوند مرا مشمول رحمت خود گرداند».

۵- ترس از نفوذ ریا و هوای نفس به درون، بدون اینکه فرد احساس کند. شیطان دارای راه‌های مخفی و کانال‌های پیچیده‌ای است، که از طریق آنها به نفس نفوذ می‌کند، و چه بسا از دچار کردن مؤمنان به گناهان ظاهری ناامید گردد، اما پیوسته فعالیت می‌کند که آنان را به کانال گناهان درونی بکشاند و اعمال و عباداتی را که امید است مورد رضایت و کسب درجات گردد هدر دهد. بنابراین «سهل» گفته است: «جز مخلص، کسی ریا را نمی‌شناسد».

### دلایل اخلاص

- یکی از دلایل اخلاص به ویژه زمانی که انسان دارای استعداد و توانائی شهرت باشد، پرهیز از شهرت و انتشار نام از لحاظ دینداری است. بنابراین، زهد در مقام و شهرت و آوازه مهم‌تر و بزرگ‌تر از زهد در مال و آرزوهای شکم و جنس است. مردی را می‌بینی که در خوردن و آشامیدن و کسب و کار اهل زهد و ورع است، اما در هنگام توزیع مقام ریاست کسی را شایسته‌تر از خود نمی‌بیند.

- زاهد مشهور، ابراهیم بن ادهم می‌گوید: «شهرت طلب نه خدا را شناخته و نه او را تصدیق کرده است».

- ایشان (ابراهیم ادهم) می‌گوید: «در دنیا همچون یک شب خرسند نشدم که در مسجدی از مسجدهای شام خوابیده بودم و از درد شکم رنج می‌بردم، شب هنگام مؤذن به مسجد وارد شد و از من خشمگین شد و پایم را گرفت و مرا کشید تا از مسجد بیرونم کرد!» خرسندی ابراهیم بن ادهم از این بود که آن مرد او را نشناخته و بدون در نظر گرفتن موقعیت و منزلت او پایش را گرفته و همچون مجرمی او را از مسجد بیرون کرده است. او همان کسی است که ریاست و ثروت را به خاطر خدا کنار گذاشت و اصرار او بر ماندن در مسجد به خاطر شدت مریضی بود که توان را از او گرفته بود».

- ابن مسعود می‌گوید: «چشمه‌های علم شوید و روشنائی‌های هدایت و چراغ شب،

دلهایتان نو و جامه‌هایتان کهنه باشد تا میان اهل آسمان معروف و میان اهل زمین ناشناخته باشید».

- اما شهرت ناخواسته اگر دور از تکلف و تاکید باشد، اشکالی ندارد. امام غزالی می‌گوید: شهرت برای ضعیفان فتنه و بلاست اما برای مؤمنان قوی دل اشکالی ندارد.

- مخلص همیشه نفس خود را در مقابل خدا و ادای وظایف، به کم کاری و کوتاهی متهم می‌کنم و غرور در عمل و اعجاب به نفس بر قلب او چیره نمی‌شود.

- باید کار بی‌سر و صدا را بر کاری که داد و فغان ظاهری و طنین شهوت آن را پوشانده است، ترجیح داد. مخلص همیشه ترجیح می‌دهد که یک سرباز گمنام باشد و بدون اینکه او را بشناسند، جان فدا کند.

- یکی از دلایل اخلاص این است که انسان منتظر مدح مداحان نباشد و بر آن اصرار نرزد، و اگر مداحی او را ستود مغرور نشود و از حقیقت نفس خویش غافل نگردد.

- از دیگر دلایل اخلاص این است که انسان از مدح کسی که شایسته مدح است و ستایش کسی که اهلیت و شایستگی ستایش دارد، بخل نرزد. چنانکه در احادیث می‌بینیم پیامبر ﷺ برخی از یاران خود را ستوده و بر فضائل و اخلاق بارز و خوب آنها انگشت نهاده است. چیزی که باعث می‌شود از انسان‌های شایسته قدردانی نشود ممکن است هوی و هوس نهان نفسی یا حسادت پنهان و یا ترس از رقابت در مقام باشد و شخص در حالی که نمی‌تواند او را سرزنش و ملامت کند، حداقل کاری که می‌کند، از تعریف او منصرف می‌شود.

- یکی دیگر از دلایل و جود اخلاص در مسلمان این است که ادای مسئولیت در پائین‌ترین درجه سربازی و بالاترین رتبه رهبری نزد او مساوی باشد.

- نباید به رضایت مردمی که در ورای آن خشم خدا نهفته است، اهمیت داد، چرا که مردم از جهت ذوق و بینش، تفکر و آرزوها و اهداف و روشها به شدت با هم مختلف هستند و فعالیت برای راضی کردن همه آنها بیهوده است. چنانچه فرومایه‌ها راضی شوند،

بی‌تردید بزرگان خشمگین می‌شوند. انسان مؤمن نفس خود را از این رنج و مشقت آزاد و راحت می‌سازد.

- باید حب و خشم، بخشش و منع و رضایت و ناخشنودی او به خاطر خداوند و دین او باشد، نه به خاطر نفس و منافع خویش...

- طولانی بودن راه، دیر رسیدن ثمر، به تأخیر افتادن پیروزی و سختی تلاش با سلیقه‌ها و جاذبه‌های مختلف مردم، او را به سستی و راحت طلبی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و توقف در نیمه راه وادار نکند.

- خداوند در قیامت نمی‌پرسد که چرا پیروز نشدید، بلکه سؤال می‌کند که چرا تلاش نکردید؟ و نمی‌پرسد که چرا موفق نشدید، بلکه می‌پرسد که چرا فعالیت نکردید؟!.

- یکی دیگر از نشانه‌های اخلاص اظهار سرور و خوشحالی به وجود هر استعدادی در صف دعوت است، انسان مخلص، اگر کسی شایسته‌تر از خود را ببیند با کمال میل پست خود را برای او خالی می‌کند و با خشنودی او را بر خود ترجیح می‌دهد.

- یکی دیگر از دلایل اخلاص تأکید بر کار خدا پسندانه‌تر است، نه نفس‌پذیر. مؤمن مخلص کاری را ترجیح می‌دهد که نفعش بیشتر و تأثیرش عمیق‌تر باشد، اگرچه با هوی و هوس نفس او سازگار نباشد.

- آنچه اخلاص را کامل می‌کند این است که: فرد مؤمن با تکبر و اطمینان و بالیدن به عمل خود آن‌را باطل ننماید. از جمله سخنان گهر باری که به حضرت علی کرم الله وجهه الشریف نسبت داده شده است این است: «گناهی که تو را آزار دهد بهتر از کار نیکی است که تو را مغرور کند».

- قرآن کریم تزکیه نفس به معنای مدح و ثنای خود را نهی کرده است: ﴿فَلَا تُزَكُّوْا اَنْفُسَكُمْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾ [النجم: ۳۲].

- کسانی که اعمال صالح و نیکو انجام می‌دهند، جز در موارد زیر نباید آن را بازگو کنند:

- ۱- تحدث به نعمت خدا ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ [الضحی: ۱۱].
- ۲- تشویق مردم برای انجام آن کار.
- ۳- دفاع از خود در زدودن اتهاماتی که به او چسبیده است و از آن مبر است.

### طاعت و معصیت در نهان و آشکار

- بر مؤمن سالک لازم است طاعات خود را مخفی نگهدارد و حتی الامکان اعمال صالح خود را از چشم و گوش مردم بپوشاند.
- اصل در فرائض اظهار و در نوافل اخفاء و کتمان است. با این وجود می‌توان سنت‌ها و اعمال صالح را بدون قصد ریا نزد مردم اظهار کرد.
- می‌توان سنت‌ها و اعمال صالح را با شرایط زیر بدون قصد ریا نزد مردم اظهار کرد و چه بسا مؤمن با اظهار آن خوشحال و شادمان گردد:
- ۱- اگر هدف از خوشحالی و شادمانی او، شکر خداوند متعال بر توفیق اطاعت و لطف او در اخفای گناهان و اظهار حسنات باشد.
- ۲- اگر جهت تفائل و خوشبختی به اینکه خداوند همانطور که در دنیا زشتی‌های او را پنهان و نیکی‌های او را آشکار کرده است، در آخرت نیز چنین کند.
- ۳- ممکن است انگیزه شاد شدن به ظهور اعمال، تشویق و تحریک دیگران باشد تا در کارهای خوب به او اقتدا کنند.
- ۴- شاید انگیزه شادی یک مسلمان در ظهور اعمال این باشد که آن‌انکه اعمال او را می‌بینند بخاطر خدا او را دوست خواهند داشت.
- ۵- یکی از ابزار توجیه در اظهار عمل صالح، عمل دیگران به آن و بنیانگذاری سنت حسنه است تا مردم هم سرمشق بگیرند و هدایت شوند. امام حسن بصری گفته است: درست است که مسلمانان با مخفی کردن اعمال دو کار را احراز نموده‌اند، اول انجام کار،

دوم مخفی کردن آن. اما در بسیاری از مواقع اظهار عمل صالح خالی از فایده نیست. بنابراین خداوند، عمل صالح نهان و آشکار را ستوده است:

﴿إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ [البقرة: ۲۷۱].

«اگر بذل و بخشش‌ها را آشکار، چه خوب، و اگر آنها را پنهان دارید و به نیازمندان پردازید برای شما بهتر خواهد بود».

- شریعت اسلام درحالیکه نسبت به اظهار طاعات مخصوصاً فرائض و حتی گاهی اوقات سنت‌ها بنا به اهداف و مقاصدی که ذکر کردیم، اجازه داده است، به هیچ صورتی اظهار و اعلان گناه را اجازه نداده است. بلکه در صورت رخ دادن گناه امر به پوشیدن آن نموده است.

- حسن کتمان گناهان و پوشاندن آنها از عموم در نکات زیر نهفته است:

۱- اولاً ما مسئول هستیم هرگاه به معصیتی دچار گشتیم با پوشش خدایی آن را بپوشانیم. در حدیث آمده است: «از این زشتی‌ها که خداوند نهی کرده است پرهیز کنید و اگر کسی دچار آن شد با پوشش خدایی آن را بپوشاند و گستاخانه آن را ابراز نکند». به همین خاطر آشکار کردن گناه دیگران نیز همانند آشکار کردن خود گناه مکروه است.

۲- جهت اجتناب از پرده دری در آشکار کردن گناه و بیم اینکه نفس به آشکار نمودن گناه عادت کند و گستاخ شود، چرا که اگر نفس به آشکار نمودن گناه عادت کند بیشتر در آن غرق می‌شود...

۳- کسی که گناه انجام می‌دهد باید آن را بپوشاند تا دیگران از او تقلید نکنند و باعث انتشار معصیت خدا در روی زمین و گستاخی مردم برای انجام آن نشود.

۴- تا در موقیت عفو و بخشش خدا قرار گیرد و در زمره مباحات کنند گانی که گستاخانه گناه را اظهار می‌کنند قرار نگیرد! در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است:

«تمام اتمم جز گستاخان و اظهار کنندگان گناه، بخشودنی هستند و این حماقت است

که شخصی شب هنگام گناهی مرتکب شود و صبح با وجود اینکه خداوند گناه او را پوشانده است بگوید: ای فلانی، امشب چنین و چنان کردم... خداوند گناه شب او را می پوشاند و او صبح آن را برملا می کند!». [متفق علیه].

۵- تا در جمع اهل حیا قرار گیرد آنکه ذوق سالم و حیای ایشان مانع اظهار گناه می شود. از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده است:

«ایمان شصت و اند شاخه است و حیا شاخه ای از ایمان است». [متفق علیه].

۶- تا در زمره کسانی قرار گیرد که امت شاهد خیر بودن آنان است. پیامبر صلی الله علیه و آله گفته است:

«هر مسلمانی که مرگ او فرا رسد و چهار خانواده از همسایه های نزدیک او گواهی دهند که جز خیر و صلاح درباره او چیزی نمی دانند، خداوند می فرماید که علم و شناخت شما درباره آن مسلمان را پذیرفتم و از گناهای که شما بی خبر هستید درگذشتم». [منذری در: الترغیب والترهیب].

۷- تا زمینه غیبت و ملامت دیگران را بر خود فراهم نکند و دیگران را در دام معصیت قرار ندهد...

۸- تا از سرزنش مردم در صورت اطلاع بر گناهش رنج نبرد زیرا سرزنش قلب را آزار می دهد و این چیز فطری و بدیهی است و چه بسا زخم زبان اگر ادامه یابد به علت تاثیر و اضطرابی که در درون ایجاد می کند مانع خشوع در عبادت شود، اگرچه مقام برتر آن است که ثنا و سرزنش مردم نزد او یکسان باشد...

۹- تا از اذیت و سوء قصد احتمالی که با همراه شدن معصیت همراه است در امان باشد و اشکال ندارد که مسلمان نفس خود را از اسباب آزار دهنده برحذر دارد.

- اگر مسلمانی علاقمند محبت و مودت دیگران باشد گناهی نکرده است بلکه این یک خصوصیت فطری و غریزی انسان است که دوست دارد و از دیگران انتظار دوستی دارد. خداوند فرموده است:



﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ [مریم: ۹۶].

«بی تردید کسانی که ایمان می آورند و کارهای شایسته انجام می دهند خداوند مهربان آنان را دوست دارد و محبت ایشان را به دل ها می افکند».

### ضرورت اخلاص برای دعوتگران

- فعالیت برای رهبریت اسلام و بازگشت آن به صحنه تنظیم حیات با عقیده و قانون و تمدن آن، از جهتی عبادت و تقرب بسوی خدا و از سویی دیگر جهاد در راه خدا محسوب می گردد. احضار نیت برای خدا در این عبادت و جهاد، اساس و مبنای پذیرش عمل از طرف خدا و موفقیت در آن است زیرا نیت آمیخته عمل را باطل و نفس را آلوده می کند و صف جماعت را ضعیف و پاداش عمل را می سوزاند.

- سالم بن عبدالله در یک نامه نصیحت گونه به عمر بن عبدالعزیز نوشته است: «بدان یاری خدا به بنده خود بر اساس نیت است، آنکه نیتش کامل باشد، یاری خدا بر او تکمیل می گردد و آنکه نیتش برای خدا ناقص باشد، یاری خدا برای او ناقص می گردد».

- روایت می کنند که فردی برای ازدواج با زنی بنام «ام القیس» به مدینه مهاجرت نمود (نه بخاطر خدا) و به این خاطر او را «مهاجر ام القیس» نام نهادند!

- رهبری حق بوسیله کسانی که بر سر مبادی و اصول تجارت می کنند و اسلام را فقط به عنوان وسیله ای برای بدست آوردن دنیا می خواهند، و ریاکارانی که فقط به خاطر جلب نظر مردم و شهرت و آوازه و سر زبان افتادن و انگشت نما شدن کار می کنند، بر سرای حق نخواهید تابید و بدینصورت خیر منتشر نمی شود و کلمه ایمان پیروز نمی گردد، بلکه حق و خیر و ایمان و فضیلت فقط بوسیله مخلصانی پیروز می گردند که بر مبادی و اصول گردن نهاده و به دنبال حق می افتند و در اسلام تاثیرگذار و انعطاف پذیر و بخشنده اند و بر سر اصول اسلامی جهت رسیدن به دنیا تجارت نمی کنند.

- سربازان دعوت و حاملان رسالت و وارثان انبیاء مخلصانی هستند که در کار خود

رضایت و خشنودی خدا را می‌خواهند و بر بام موانع، منافع و مصالح شخصی و دنیوی صعود کرده و دعوت را یاری می‌دهند و با دعوت قدرتمند می‌شوند، اگرچه از نظر مادی فقیر، و از نظر مقام ضعیف، و درمیان مردم گمنامند.

- بر دعوتگران و صاحبان دعوت لازم است صف خود را از ناخوانده‌هایی که دنبال آرزو و طمع دنیوی افتاده‌اند برحذر دارند، طفیلی‌هایی که همچون نفوذ میکروب و ویروس به جسم سالم، بر صف گروه‌های مؤمن نفوذ کرده و خود را بر شانه‌های دیگران آویزان می‌کنند. سخنشان بسیار و عملشان اندک است، هنگام مشکلات کم و در وقت طمع زیادند، تا اینکه در وقت محنت‌ها و مشقت‌ها خود را نشان می‌دهند و خداوند تمیز و ناتمیز را از هم جدا می‌سازد.

### ثمرات اخلاص

- اخلاص دارای پاکیزه و زیبا در روان و حیات است که به صورت خلاصه آنها را ذکر می‌کنیم:

۱- آرامش روانی: اخلاص به صاحب خود آرامش روانی و و اطمینان خاطر می‌بخشد. خداوند در مثال قرآنی، مؤمن یکتاپرست را به برده‌ای تشبیه کرده است که دارای یک آقاست و می‌داند آقايش از چه چیزی خشنود و از چه چیزی ناخشنود می‌شود، پس تمام هم و غم خود را مصروف رضای او و پیروی از آنچه که او دوست دارد می‌کند. و در این مثال مشرک را به برده شرکا تشبیه کرده است که همیشه بر سر او در حال منازعه و کشمکش هستند و هر یک از شرکا او را به چیزی خلاف نظر شریک دیگر امر می‌کند و هر یک از آنها از وی چیزی می‌خواهد که دیگری آن را نمی‌پسندد پس همت و استعداد او متفرق و قلبش دگرگون می‌شود. [الزمر: ۲۹]. بدین ترتیب انسان مؤمن با انحصار عبودیت برای خدا از هلاکت بندگی دیگران آزاد می‌گردد.

۲- قدرت روحی: اخلاص به انسان قوت روحی بزرگی می‌بخشد که نشأت گرفته از

علو هدفی است که نفس خود را برای آن خالص کرده و اراده خود را برای آن آزاد کرده است و آن عبارت است از رضایت و پاداش خدایی. شیفتگان دنیا و آزمندان مقام و منصب و شهرت در مقابل نیم نگاه دنیاداران و بخشندگان آرزوهای خویش بلافاصله خود را می‌بازند و ضعف خود را آشکار می‌کنند، اما آنانکه نفس خود را به خدا روخته‌اند با قنّت خستگی ناپذیر و قدرت عجز ستیز، راه مسیر بندگی را می‌شکافند و به جلو می‌شتابند و به هدف می‌رسند و بوسیله تجرد و اخلاص خود را از هر قدرت مادی قوی‌تر می‌پندارند.

**۳- دوام کار:** اثر دیگر از آثار اخلاص، استمرار بخشیدن آن به حرکت دعوتگر یا عامل است. آنکه بخاطر ریا یا آرزوهای شهوانی و شکم کار می‌کند چنانچه به آن نرسد دست از کار برمی‌دارد. آنکه جهت کسب مقام و منصب و شهرت کار می‌کند به محض اینکه احساس کند که رسیدن به آنها دشوار است، سستی، سنگینی و تنبلی در کار او را فرا می‌گیرد. آنکه بخاطر امیر یا رئیس کار می‌کند، در غیاب رئیس، یا کار را انجام نمی‌دهد یا آن را همراه با بی‌توجهی و سهل‌انگاری انجام می‌دهد. اما آنکه برای خدا کار می‌کند پیوسته به کار ادامه می‌دهد و سستی و تنبلی و راحت طلبی در سرای عزم و اراده او آشیانه نمی‌سازد زیرا مراقب و صاحب کار او خداست و خدا هرگز غایب نمی‌شود.

**۴- تبدیل مباحات و عادات به عبادات:** اخلاص کیمیای اعمال است که بر هر عملی نهاده شود اگرچه آن عمل مباح یا عادی هم باشد آنرا تبدیل به طاعت و عبادت می‌کند. در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ به سعد رضی الله عنه گفت: «در هر انفاقی که بخاطر خدا باشد حتی لقمه‌ای که در دهان همسرت بگذاری خداوند در قبال آن تو را پاداش می‌دهد». [متفق علیه].

**۵- کسب ثواب بدون انجام یا تکمیل کار:** یکی از برکات اخلاص این است که فرد مخلص اگرچه کار را تکمیل نکرده و و یا توانایی تکمیل آن را نداشته باشد، پاداش کامل آن را بدست می‌آورد. خوب است در اینجا به سخن خداوند گوش فرا دهیم: ﴿...وَمَنْ

يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٠﴾ [النساء: ۱۰۰]. «وهرکه از خانه خود بیرون آید و بسوی خدا و رسول هجرت کند و سپس مرگ او را دریابد اجر او بر عهده خداست، و خداوند بسی آمرزنده و مهربان است». و نسائی و ابن ماجه از ابی‌درداء روایت کرده‌اند که از پیامبر به ایشان رسیده است: «کسی که با قصد قیام اللیل بر بستر قرار گیرد اما خواب بر چشمان او چیره شود و تا صبح بیدار نگردد، اجر و پاداش قیام اللیل را به عنوان صدقه و هدیه الهی کسب می‌کند». و در صحیح مسلم آمده است که پیامبر خدا فرموده است: «کسی که صادقانه از خداوند طلب شهادت کند خداوند او را به مقام شهدا می‌رساند اگرچه بر بستر خود فوت کند».

۶- **یاری و ضمانت الهی:** یکی از ثمرات اخلاص مورد تایید خدا قرار گرفتن و مشمول کفایت او شدن است، امداد الهی بر حسب مقدار تجرد و از خود گذشتگی و صفای قلب برای خداست. هرگاه بنده‌ای مخلص به حق علیه دیگران یا در درجه اول علیه نفس خود قیام کند کسی ققدرت مقاومت در مقابل او را ندارد اگرچه اهل آسمان و زمین و کوه‌ها علیه او به توطئه پردازند خداوند خواسته او را تضمین می‌نماید. خلاصه مطلب اینکه در مقابل انحصار توحید ربوبیت و الوهیت برای خدا هیچ قدرتی توانایی استقامت ندارد و آنکه این دو توحید را در انحصار خداوند قرار دهد پیروز است، اگرچه دشمنان گروه گروه بر او بتازند. امام احمد رحمه‌الله از حضرت عایشه اینگونه روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «آنکه برای رضایت خداوند، مردم را برنجاند، خداوند مردم را برای او کفایت می‌کند و کسی که برای رضایت مردم خداوند را برنجاند خداوند او را به مردم می‌سپارد».

۷- **یکی دیگر از ثمرات اخلاص،** این است که خداوند با یاری خود مخلص را یاری می‌رساند و با چشمانی که خواب نمی‌روند او را نگهبانی می‌کند و آنگاه که مشکلات و بحران‌ها و بلاها و رنج‌ها بر فضای حیات او سایه می‌افکنند، خداوند دعایش

را اجابت می‌کند و ندایش را پاسخ می‌گوید.

۸- **نجات جامعه و استقامت حیات:** فراموش نکنیم، چنانکه قبلاً نیز تذکر داده‌ایم: نتیجه و ثمر اخلاص فقط خاص قیامت نیست، یعنی ما اخلاص را فقط بدین خاطر نمی‌خواهیم که: اعمالمان نزد خدا قبول گردد و در قیامت بهشت خدا نصیب ما شود و از آتش جهنم نجات یابیم و بس، علاوه بر همه اینها و مهم‌تر از همه، اخلاص مطلوب است تا کارهای دنیا استقامت و اصلاح یابند، و خیر و سعادت بر جامعه سایه افکند و عدل برپا گردد و ابر سیاه ظلم و سایه ظالم از آسمان حیات برچیده شود...

### انگیزه‌های اخلاص

در اینجا به مسائلی اشاره می‌کنیم که پویندگان راه خدا را بر اخلاص نیت و عمل برای خدا یاری می‌دهد و آن مسائل عبارتند از: انگیزه‌های روانی، دافعه‌های معنوی، عوامل فکری و جنبه‌های علمی که اگر فزونی یابند و با هم آمیخته گردند بجاست که عقل و قلب سالک را تحت تاثیر قرار دهند و او را در مسیر مخلصان قدمی به پیش برند:

۱- **علم راسخ:** اولین یاور و محرک انسان در این زمینه این است که شخصی با علم یقینی در اعماق خود به اهمیت اخلاص به عنوان یک ضرورت دینی و ثمرات آن در دنیا و آخرت پی ببرد و بداند که حق تعالی عملی را بدون اخلاص نمی‌پذیرد هر چند شکل و شمائل آن زیبا باشد.

۲- **همنشینی با مخلصان:** از جمله چیزهایی که که مقام اخلاص را تقویت می‌کند، همنشینی و مجالست با اهل اخلاص و زندگی در رکاب آنان است تا الگو و سرمشق قرار گیرند و سالک با اخلاق آنان متاثر شود. زیرا الگو قرار دادن ایشان صلاح و مشابَهت با آنان رستگاری است. رسول الله ﷺ در این مورد می‌فرماید: «مثال همنشین شایسته و همنشین بد همانند صاحب مشک و صاحب کوره است. صاحب مشک یا از مشک خود به تو هدیه می‌کند و یا از او می‌خرید و یا حداقل بوی خوش آن به مشام تو می‌رسد. اما

صاحب کوره یا لباس تو را می‌سوزاند و یا حداقل بوی بد آن تو را آزار می‌دهد». [متفق علیه].

**۳- مطالعه سیره مخلصان:** یکی دیگر از چیزهایی که انسان را در راه اخلاص کمک می‌کند، مطالعه سیره مخلصان و آشنایی با زندگی ایشان جهت متاثر شدن به آنها و الهام گرفتن از هدایت ایشان است. فضل و برکت و رحمت خداوند تبارک و تعالی به ما این است که در فرهنگ و تمدن و میراث دینی ما «الگوهای مخلص» بسیاری وجود دارند که هر کس زندگی آنان را مطالعه کند، ناخودآگاه و بی‌اختیار از ایشان متاثر می‌شود.

**۴- مبارزه با نفس:** یکی از پشتوانه‌های اخلاص عبارت است از مجاهدت و منظور ما از مجاهدت توجیه اراده است بسوی مبارزه با نفسی که انسان را به انحراف امر می‌کند و مقاومت در مقابل امیال شخصی و دنیوی تا اینکه نفس برای خدا خالص می‌گردد: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [العنکبوت: ۶۹]. کسانی که جهت رضایت ما تلاش کنند و در راه پیروزی دین ما جهاد کنند آنان را در راههای منتهی به خود رهنمود می‌گردانیم و قطعاً خدا با نیکوکاران است».

**۵- نیایش و پناه بردن به خدا:** چیزی که این مسائل را تقویت و بازوی سالک راه خدا را محکم می‌گرداند، پناه بردن به خدا در تمام امور است: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحه: ۵]. «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم». فاتحه/۵ حقیقت توحید عبارت است از محصور کردن عبادت و استعانت برای خدا. آنگاه که وسائل مادی انسانی و قدرت او ناتوان می‌ماند یا اراده او سست می‌گردد، جز یک در پیش روی انسان نیست، آن را بوسیله دعا می‌کوبد و فضل و برکت خدا را می‌طلبد و او هم اهل پاسخ است.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا نَعْلَمُهُ، وَنَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا نَعْلَمُهُ.